

## بررسی تاریخی ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش کردی سنقرگیلیایی

سلمان خنجری (دانش‌آموخته دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

**چکیده:** مقاله حاضر به بررسی تاریخی ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش کردی سنقرگیلیایی می‌پردازد، این گویش به‌ویژه در میان نسل جدید گویشور خود از زبان فارسی تأثیر زیادی پذیرفته است به طوری که ویژگی‌های آوایی شمال غربی در آن در برخی موارد از بین رفته و فقط در واژه‌های کهن محفوظ مانده است. در این مقاله سعی بر آن است که با ارائه واژه‌های کهن بازمانده در کردی سنقرگیلیایی، ویژگی‌های آوایی شمال غربی در این گویش ارائه شود. برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوه مصاحبه با گویشوران بومی و همچنین شم زبانی خود نگارنده که گویشور بومی کردی سنقرگیلیایی است و نیز منابع مکتوب استفاده شده است. داده‌ها در ابتدا از منابع مکتوب و گفتار گویشوران استخراج و طبقه‌بندی و سپس تجزیه و تحلیل شدند. پس از بررسی داده‌ها مشخص شد که تأثیرپذیری این گویش از زبان فارسی نو سبب از بین رفتن برخی از ویژگی‌های آوایی شمال غربی و جایگزینی آنها با ویژگی‌های آوایی جنوب غربی شده است.

**کلیدواژه‌ها:** گویش‌های ایرانی، کردی سنقرگیلیایی، گویش‌های شمال غربی، فرایندهای آوایی از باستان تا نو

## ۱. مقدمه

بررسی تغییر زبان در طول زمان، زبان‌شناسی تاریخی نامیده می‌شود (Trask 1999: 149). این بررسی در شناخت زبان‌ها نکته قابل توجه و تا حدی دشوار است (Joseph 2001: 105)، به‌ویژه در مورد زبان‌های ایرانی که گویش‌های متفاوت آن از لحاظ سیر تکامل چندان با یکدیگر قابل مقایسه نمی‌باشند (مورگنشتیرنه<sup>۱</sup>: ۱۳۳۶: ۵۱). پاره‌ای از این تغییرات و تحولات را به سبب سهولت تلفظ، بیان معانی جدید، میل به تازگی، کاهش حشو، منسوخ‌شدگی ناشی از مهجورشدگی معانی و تقابل و برخورد زبانی دانسته‌اند (Hudson 2000: 411). در زبان‌شناسی تاریخی به تغییر و تحولات زبان در طول زمان و تاریخ یک زبان و به‌عبارت دیگر به تحولات زبان از نقطه‌نظر زمانی پرداخته می‌شود (Joseph 2001: 105; Lehmann 1992: 3). بررسی تاریخی واژه‌ها، اساس و زیرساخت تمامی تحقیقات زبان است (Lehmann 1992: 24) و جهت مطالعه زبان‌های باستانی و زبان‌ها و گویش‌های زنده امروزی امری ضروری است (Ibid: 31). پروفیسور مورگنشتیرنه دانشمند معروف سوئدی در یکی از سخنرانی‌های خویش در سال ۱۳۳۶ در دانشگاه تهران این مسئله را خاطر نشان کرده و از لحاظ مطالعات زبان‌شناسی، ایران را یکی از غنی‌ترین ممالک دانسته است:

«... وضع گویش‌های مختلف ایران، این مملکت را بهترین مملکت برای مطالعات گویش‌های مختلف نموده است. لغاتی که از زبان‌های قدیمی ایرانی مانده است، بسیار محدود است به‌طوری‌که بعضی اوقات تفسیر آنها بسیار مشکل است و زبان‌های دوره میانه نیز در این راه چندان کمکی نمی‌نمایند. تحقیقات و مطالعات درباره گویش‌های ایرانی ممکن است منجر به کشف بعضی از لغات کهن زبان‌های ایرانی بشود و برای روشن شدن تاریخ تحول زبان‌های ایرانی مفید واقع گردد» (مورگنشتیرنه ۱۳۳۶: ۵۱).

بر اساس آواشناسی تاریخی، زبان‌ها و گویش‌های نو ایرانی غربی که تحول تاریخی آواهای آنها به تحول تاریخی آواهای زبان پارتی شبیه است، به شاخه شمال‌غربی، و زبان‌ها و گویش‌هایی که تحول تاریخی آواهای آنها به تحول تاریخی آواهای زبان فارسی میانه شبیه است، به شاخه جنوب‌غربی تعلق دارند (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۱-۱۸۲).



در مطالعات زیادی که در خارج و داخل کشور به صورت کتاب، مقاله و رساله انتشار یافته است، به فرایندهای تاریخی آوایی در گویش‌های نو ایرانی نیز پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به گری<sup>۱</sup> (1965) و کاتکارت<sup>۲</sup> (2015) و از جمله تحقیقات به زبان فارسی، رضائی باغبیدی (۲۰۰۹) را نام برد. مصطفوی گرو (۱۳۸۶) به بررسی نظام آوایی گویش کرمانجی خراسان پرداخته است، طاهری و حسینی ماتک (۱۳۹۶) نیز ویژگی‌های آوایی گیلکی را بررسی کرده‌اند، اما پژوهشی متمرکز که به بررسی تاریخی ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش کُردی سُنقرُگیلیایی پرداخته باشد، تا به حال انجام نشده است.

هدف از پژوهش حاضر بررسی تاریخی ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش کُردی سُنقرُگیلیایی است، برای جمع‌آوری داده‌ها از شیوه مصاحبه با گویشوران بومی و همچنین شَمّ زبانی خود نگارنده که گویشور بومی کُردی سُنقرُگیلیایی است و نیز منابع مکتوب استفاده شده است.

## ۲. بررسی تاریخی ویژگی‌های آوایی شمال غربی در گویش کُردی سُنقرُگیلیایی

۱.۲. هندواروپایی: \*gh- < ایرانی باستان: \*z- < فارسی میانه: z- < کُردی سُنقرُگیلیایی: z-.

خوشه هندواروپایی: \*gh- در ایرانی باستان به z- تحول یافته است و به صورت z- به فارسی میانه و در کُردی سُنقرُگیلیایی به صورت z- رسیده است. مثال: هندواروپایی آغازین: H<sub>3</sub>mei<sup>h</sup>gh- (Cheung 2007: 179)؛ هندواروپایی: \*mei<sup>h</sup>gh- (Pokorny 1959: 713)؛ ایرانی باستان: \*Hmaiz- «ادرار کردن» (Cheung 2007: 179)، ایرانی باستان: \*maiza- (ستاک حال)، mišta- (ستاک گذشته)؛ اوستایی نو: maēz- «ادرار کردن» (Bartholomae 1108: 1961)؛ فارسی میانه: mistan, mēz- «ادرار کردن» (MacKenzie 1971: 56)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: miz. در فارسی نو در واژه ترکیبی میزنای به کار رفته است.

## ۲.۲.۲. n < šn < \*ršn

### w < šm

طبق قانون روکی<sup>۱</sup> \*s هندواروپایی آغازین در هندوایرانی آغازین زمانی که بلافاصله بعد از \*i, \*k<sup>[ul]</sup>, \*u, \*r, \*r̥, \*k واقع شود، گاهی تبدیل به واج صفیری \*š (\*ž قبل از همخوان‌های واک‌دار) می‌شود (8: Mayrhofer 1989; 2: Schmitt 1989b; Forston 2004: 182; 32: Clackson 2007; 2: Cathcart 2015). این \*š هندوایرانی در سنسکریت به s و در اوستا به š تبدیل شد. در ودا: \*r̥šnā-، اوستایی نو: \*taršna- «تشنگی» > \*tr̥s-n- (از ریشه \*ters- «خشک شدن») (Forston 2004: 182: 179).

در گذر از باستان به میانه ršn به šn تقلیل پیدا کرده است (Gray 1965: 207) و در واقع \*rš ایرانی باستان در ایرانی میانه غربی š شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۷۰). در خوشه šn «تشنه» و šm «چشم» در کُردی سُنقرکُلیایی، همخوان /š/ قبل از خیشومی‌های m و n حذف می‌گردد و در صورتی که قبل از خیشومی m واکه‌های a یا â واقع شود، m به نیم‌واکه غلتان w (دوبلی) تحول می‌یابد نیز نگاه کنید: (MacKenzie 1961: 70-71)، در مورد تحول خوشه šm به w (< šm) نیز نگاه کنید: (Blau 1989: 329; Windfuhr 1989a: 259; Gray 1965: 231).

## ۱.۲.۲. n < šn < \*ršn

هندواروپایی آغازین: \*tr̥s-, \*ters- «خشک شدن، تشنه شدن» (بیکس ۱۳۸۹: ۱۹۷)؛ اوستایی: -taršna (Bartholomae 1961: 644)، از ریشه -tarš «تشنه بودن» (Cheung 2007: 303)؛ ایرانی باستان: -\*tr̥šnaka «تشنه» از ریشه -\*tr̥š-, \*tarš- «خشک بودن، تشنه بودن» (حسن دوست ۱۳۹۳: ۸۷۳)؛ فارسی میانه: tišnag (MacKenzie 1971: 83)؛ فارسی میانه تُرفانی: tišnag (Boyce 1977: 89)؛ کُردی سُنقرکُلیایی: tineg.

## ۲.۲.۲. w < a/â + \*šm/\*m

ایرانی باستان: \*dzāmātar «داماد»؛ اوستایی: -zāmātar (Pokorny 1959: 369)

Durkin-Meisterernst ) zāmād : پارتی؛ (Bartholomae 1964: 1689; Bomhard 2018: 3/1 Idem ) zamā : هورامی؛ (MacKenzie 1971: 24) dāmād : میانه؛ (2004: 379 114: 1966)؛ کردی: zāwā (Idem 1961: 73)، کردی سُنقرُگیلیایی: zāwā.

هندواروپایی: \*k<sup>h</sup>ek-, \*kuōk-, \*kuek-s- («ظاهر شدن، نگرستن، نشان دادن») (Pokorny 1959: 638)؛ ایرانی باستان: \*čašman- («چشم») (حسن دوست ۱۳۹۳: ۱۰۲۱)؛ اوستایی: -čašman- (Bartholomae 1961: 583)؛ پارتی: čašm (Boyce 1977: 31)؛ فارسی میانه تُرفانی: čašm (Ibid)؛ کردی سُنقرُگیلیایی: čaw.

هندواروپایی آغازین: \*nōmŋ-, \*(o)nomŋ-, \*(o)mnŋ- («نام») (Pokorny 1959: 321)؛ اوستایی: -nāman- (Bartholomae 1961: 1062)؛ فارسی باستان: -nāman- (Kent 193: 1950)؛ پارتی: nām (Boyce 1977: 60; Durkin-Meisterernst 2004-237)؛ فارسی میانه: nām (MacKenzie 1971: 57)؛ فارسی میانه تُرفانی: nām (Durkin-Meisterernst ) nām (2004: 237)؛ کردی سُنقرُگیلیایی: nāw.

ایرانی باستان: \*hama-bāja- («هم‌باز، شریک») از \*hama («هم») و \*bāja- («سه‌م، قسمت»)؛ از ریشهٔ bag («تقسیم کردن») (حسن دوست ۱۳۹۳: ۲۷۴)؛ فارسی میانه: hambāz (MacKenzie 1971: 40)؛ کردی سُنقرُگیلیایی: hāwbāz (گوشوران قدیم)، hambāz (گوشوران جدید) («هم‌سن، هم‌دوره»).

پارتی: hawsārag («هم‌سال، هم‌رتبه») (Boyce 1977: 45)؛ hāwsār («همانند، هم‌سان») (Ibid)؛ کردی سُنقرُگیلیایی: hāwsâṭ («هم‌سال»).

۳.۲. هندواروپایی آغازین: \*k قبل از واکه‌ها به < هندوایرانی: کامی \*k/ < هندوآریایی باستان: \*s < ایرانی آغازین: \*ts < ایرانی باستان: \*ts < اوستایی: s، مادی: s، فارسی باستان: θ < پارتی: s < فارسی میانه: h، s، گویش‌های نوایرانی شمال‌غربی: s، کردی سُنقرُگیلیایی: s، گویش‌های نوایرانی جنوب‌غربی: s، h، Kent 1950: 33)؛ Idem 1989c: 99؛ Schmitt 1989d: 89؛ Gray 1965: 132, 135؛ MacKenzie 1961: 73

خوشه‌های دندانی - به‌علاوه - دندانی<sup>۱</sup> هندواروپایی آغازین که مابین آنها همخوان صفیری واقع شده باشد مانند *-tst-\** < *-tt-\** و *-dzd-\** < *-dd-\** طبق قانون بارتلمه در هندی تمامی این خوشه‌ها همخوان صفیری را از دست می‌دهند (*-tst-\** < *-t-t-\**، *-dzd-\** < *-dd-\** و *-dzd-\** < *-ddh-\**)، در زبان‌های ایرانی، نخستین همخوان دندانی خوشه‌ها حذف می‌شود (هندواروپایی آغازین: *-tst-\** < ایرانی آغازین: *-st-\**؛ هندواروپایی آغازین: *-dzd-\** < ایرانی آغازین: *-zd-\** و هندواروپایی آغازین: *-dzd-\** < *-zdh-\** < ایرانی آغازین: *-zd-\**)، مثال: ودایی: *vittá-* «آگاه»، اوستایی: *vista-* از *uid-tó-\**؛ فارسی باستان: *azdā-* «آگاه»، ودایی: *addhā-* «یقیناً» از هندوایرانی آغازین: *adh-tā-\** < هندوایرانی: *adzdhā-\**؛ *matsya-\** «ماهی» (ودایی: *mátsya-*) < ایرانی باستان: *māsiyaka-\** < اوستایی: *masiia-* - *masiia-*، در اینجا *s* بیانگر کاهش *-ts-* است (Kellens 1989: 43) -، فارسی باستان: *māθiyaka-\** < فارسی میانه: *[māhīg]* (Reichelt 1967: 6; Forston 2004: 181, 204; Mayrhofer 1989: 9) *m'syk*

هندوایرانی آغازین: *matsya-\**، *matsja-\** «ماهی» (ودایی: *mátsya-*) (Cathcart 9 (2015: 2015)؛ ایرانی آغازین: *māś(i)jaka-*، *mātsja-\** (Ibid)؛ *māśja-\** (Ibid: 135)؛ ایرانی باستان: *māsiyaka-\**، *masyaka-\** (> *massyaka-\** > *matsyaka-\**) (حسن دوست ۱۳۹۳: ۲۵۸۱)؛ اوستایی: *masya-* (Bartholomae 1961: 1155)؛ فارسی باستان: *māsiya-\**، *māθiyaka-\** (Gershevitch 1985: 202)؛ *māθiya(ka)-\** (Cathcart 2015: 9)؛ پارتی: *māsyāg* (Durkin-Meisterernst 2004: 227)؛ فارسی میانه تُرفانی: *māhīg* (Boyce 1977: 55)؛ فارسی میانه: *māhīg* (MacKenzie 1971: 53)؛ کُردی سُنقرکلیایی: *māsi* «ماهی ریز»، نیز در اسم *gāmāsyāw* «گاماسیاو» از ترکیب سه اسم: گاو - ماهی - آب.

۴.۲. هندواروپایی آغازین: *\*k̥* قبل از واکه‌ها به < هندوایرانی: کامی *\*č* / *\*k̥* < ایرانی

آغازین:  $\theta$ , \* $\acute{s}$  < ایرانی باستان:  $\theta/s$  < مادی:  $s$  < فارسی باستان:  $\theta$  < کُردی سُنقرکُلیایی:  
s (Kent 1950: 33); MacKenzie 1961: 73; Gray 1965: 132, 135; ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۱۱؛  
مایرهوفر ۱۳۸۹: ۱۲۸).

\* $\theta$  / \*s باستانی < ایرانی میانه: h، در کُردی سُنقرکُلیایی به صورت s درآمده است  
(نک: Gray 1965: 132, 135; MacKenzie 1961: 73)، در نسل جدید گویشور کُردی  
سُنقرکُلیایی در بعضی واژه‌ها هم چون «گوسفند» به Z تبدیل شده است.

هندواروپایی: \*péku «گوسفند» (بیکس ۱۳۸۹: ۷۲؛ Clackson: Forston 2004: 207)  
206, 52 (2007): اوستایی: -pasav (Bartholomae 1961: 879)؛ فارسی میانه: pah  
63 (MacKenzie 1971): پارتی: pas (Durkin-Meisterernst 2004: 283)؛ کُردی  
سُنقرکُلیایی: pas (گویشوران قدیم)، paz (گویشوران جدید).

هندواروپایی آغازین: \*mak «بزرگ» (Kent 1950: 33)؛ اوستایی: mas-  
(Bartholomae 1961: 1154) -masišta «بزرگ‌ترین» (Ibid: 1155)؛ فارسی باستان:  
maθ-išta (Kent 1950: 201)؛ پارتی: mas (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۷۵)؛ فارسی میانه: meh  
(MacKenzie 1971: 55)؛ فارسی میانه تُرفانی: meh (Boyce 1977: 59)؛ کُردی  
سُنقرکُلیایی: mas در ترکیب ma tek mas «باشکوه، بزرگ، بابَهت».

هندواروپایی آغازین: \*ak «سنگ» (بیکس ۱۳۸۹: ۲۶۲)؛ فارسی باستان: ۱. kāsaka-  
«سنگ نیمه‌قیمتی» (Kent 1950: 9, 33) از ریشه \*kas، سنسکریت: kaś- «نمایان بودن،  
آشکار بودن، درخشیدن» (Ibid)، kāsakaina- «سنگ نیمه‌قیمتی» (Ibid: 180)،  
۲. هندواروپایی: \*aken «سنگ» (Pokorny 1959: 19)؛ ایرانی آغازین: \*atsanga «سنگ»  
(رضائی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۳)؛ ایرانی باستان: \*asanga «سنگ» (حسن‌دوست ۱۳۹۳:  
۱۷۶۷)؛ اوستایی: asan- (Bartholomae 1961: 207) s در asan- «سنگ» از k آمد  
است، asənga- (ibid: 210)؛ مادی: \*asanga (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۳)؛ فارسی  
باستان: aθa<sup>n</sup>ga- (Kent 1950: 87)، صورت مادی در فارسی باستان: asan- «سنگ»  
(Skjærvø 2009: 51) aθa<sup>n</sup>gaina، «سنگی، از سنگ» (Kent 1950: 166)؛ شمال‌غربی:  
پارتی: asang (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۳)؛ پارتی: asang (Boyce 1977: 15)؛ کُردی



سُنقرُگیلیایی: ۱. koček «سنگ»، kočekina «سنگی، از سنگ» ۲. hasân «سنگ صاف و صیقلی»؛ جنوب‌غربی: فارسی میانه: sang (MacKenzie 1971: 74)، فارسی نو: sang. هندواروپایی آغازین: \*h<sub>2</sub>éies «آهن» (بیکس ۱۳۸۹: ۷۳)؛ هندواروپایی: \*h<sub>2</sub>éios (همان: ۱۱۲)؛ ایرانی آغازین: \*aśu(a)na- (Cathcart 2015: 135)؛ ایرانی باستان: \*ā- span- (حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۱۳۴)؛ اوستایی: -ayah- (Bartholomae 1961: 159)؛ پارسی: āsun (Boyce 1977: 15)؛ فارسی میانه: āhen, āhan (MacKenzie 1971: 6)؛ «آهنین» (Ibid)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: âsen «آهن»، âsenin «آهنین». نیز در ترکیب گَاوآهن: gâwasen.

۵.۲. ایرانی آغازین: \*šj- < \*θ(i)y- < \*s(i)y- < \*s(i)j- (Cathcart 2015: 14)، فارسی باستان: \*šyāva- «سیاه» به همراه \*θyāva- «سیاه» معادلی باستانی از \*syāva-: هندواروپایی: \*kīē-mo-, \*kī-, \*kīē- «سیاه» (Pokorny 1959: 541)؛ ایرانی آغازین: śūāja- (Cathcart 2015: 135)؛ اوستایی: syāva- (Bartholomae 1961: 1631)؛ syāv- در اسامی -syāvaršan- و -syāvaspī-؛ فارسی باستان: \*s < \*θ < \*θyāva- معادلی باستانی از \*syāva- (مایرهوفر ۱۳۸۹: ۱۳۲)؛ پارسی: syāw (Boyce 1977: 83)؛ syāwag (Durkin-) syāw (Meisterernst 2004: 312)؛ فارسی میانه تُرفانی: syāw (Ibid: 311)؛ فارسی میانه: syā syāw-bun (MacKenzie 1971: 78)؛ (راشدمحصل ۱۳۸۵: ۴۶۳)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: syāw, si (نیز در واژه‌هایی مانند: syāwtāwa «سیاه‌چرده»، syāwgāwāna «پرندۀ سیری که سیاه‌رنگ است».)

۶.۲. همخوان x- آغازی ایرانی در کُردی سُنقرُگیلیایی به k- تبدیل شده است (MacKenzie 1961: 71; Windfuhr 1989a: 253; Blau 1989: 329).

اوستایی: xan-, xayana- «چشمه» (Bartholomae 1961: 531-32)؛ پارسی: xānīg (Boyce 1977: 99)؛ فارسی میانه تُرفانی: xānīg (Ibid: 99)؛ فارسی میانه: xānīg (MacKenzie 1971: 94)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: keyni, kâni.

۷.۲. هندواروپایی:  $*dh̥u-$  < ایرانی آغازین:  $*dv-/du-$  < ایرانی باستان:  $*dv-/du-$  < پارتی:  $b-$ ، فارسی میانه:  $d-$ ، گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی:  $b-$ ، کردی سُنقرگیلیایی:  $d-$ ، گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی:  $d-$  (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲؛ Sundermann 1989: 108; Schmitt 1989c: 99).

ایرانی آغازین:  $*dvar-$  «در» < فارسی باستان:  $dvāra-$ ،  $duvāra-$ ؛ مادی:  $*d̥bar-$ ؛ اوستایی:  $(dvar-$ ) < شمال‌غربی: پارتی:  $bar$ ، کُردی سُنقرگیلیایی:  $dar$ ؛ جنوب‌غربی: فارسی میانه:  $dar$ ، فارسی نو:  $dar$  (Schmitt 1989c: 99؛ رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۳).

۸.۲.  $y < dh$  (Gray 1965: 91).

هندواروپایی آغازین:  $*widhewā$  «عروس» (Hock 1991: 147)؛ هندواروپایی: ریشه  $*H̥udh-$  «بردن، ازدواج کردن» (Pokorny 1959: 1115؛ بیکنس ۱۳۸۹: ۷۶)،  $*H̥udh-$  «بردن، ازدواج کردن» (Cheung 2007: 201)؛ سنسکریت:  $vadhū-$  (Monier-Williams 1974: 917)، ودایی:  $vidhavā-$  (Hock 1991: 147)؛ ایرانی باستان:  $*vadhuvakā-$  (Gray 1965: 128)؛ اوستایی:  $vaδū-$  «همسر، زن» (Bartholomae 1961: 1345)، فارسی میانه تُرفانی:  $wayōg$  (Boyce 1977: 98)؛ کُردی سُنقرگیلیایی:  $way$ ،  $wai$  «عروس».

۹.۲. هندواروپایی:  $*k̥u$ ،  $*k̥w$  < هندوایرانی:  $*śv/ *śu$  < ایرانی آغازین:  $*tsv$ ،  $*śu$  < ایرانی باستان:  $*tsv$ ،  $*śu$  < اوستایی:  $sp$ ، مادی:  $sp$ ، فارسی باستان:  $s$  < پارتی:  $sp$ ، فارسی میانه:  $s$ ، گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی:  $sp$ ،  $sb$ ،  $sv$ ؛ کُردی سُنقرگیلیایی:  $sep$ ،  $s$ ؛ گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی:  $s$  (نک: Schmitt 1989a: 27؛ Idem 1989c: 70؛ Windfuhr 2009: 20؛ رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲؛ مایرهورف ۱۳۸۹: ۸۷).

هندواروپایی:  $*ék̥uo$  «اسب» < هندوایرانی:  $*ácuā$  (ودایی:  $*ásva-$ ) < ایرانی آغازین:  $*atsva-$ ،  $*ásua-$ ،  $*aspa-$  «سوار» < ایرانی باستان:  $*atsva-$  < اوستایی:  $aspa-$ ؛ مادی:  $aspa-$ ، فارسی باستان:  $asa-$ ،  $asabāra-$  «سوار» (Bartholomae 1961: 216)؛ رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۶۱)؛ کُردی سُنقرگیلیایی:  $asb$ .

ایرانی آغازین: *\*tsvan-ka-*, *\*šua-ka-* «سگ» < مادی: *\*spaka-* «سگ ماده» < فارسی باستان: *\*saka-*, اوستایی: *\*span-* < شمال‌غربی: پارتی: *\*spag*, پارتی: *\*ispag*, کُردی سُنقرکُلیایی: *sag*; جنوب‌غربی: فارسی میانه: *sag* (Durkin-Meisterernst 2009: 183; Schmitt 1989d: 89). فارسی نو: *sag*.

ایرانی آغازین: *\*šuiš-* «شپش» (Cathcart 2015: 13, 29); ایرانی باستان: *\*tsviš(a)-* / *\*tsuiš(a)-* (رضائی باغ‌بیدی ۲۰۰۹: ۵۸); اوستایی: *\*spiš-* (Bartholomae 1969: 1625); مادی: *\*spiš-* (Cathcart 2015: 13, 29); فارسی میانه: *\*spiš-* (MacKenzie 1971: 76); فارسی میانه ترفانی: *\*ispiš-* (Durkin-Meisterernst 2004: 88); هورامی: *hašpiši* (MacKenzie 1966: 98); کُردی سُنقرکُلیایی: *\*sepi*.

۱۰.۲. حذف همخوان *š* بعضاً در آخر واژه. در کُردی سُنقرکُلیایی معمولاً همخوان *š* در آخر واژه حذف می‌شود، به‌عنوان مثال واژه‌های شپش و میش در زیر ارائه می‌شود:  
هندواروپایی: *\*maiso-s*, *\*moiso-s* «گوسفند» (Pokorny 1959: 147); ایرانی باستان: *\*maiš-*, *\*maiša-* (حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۲۶۸۵); اوستایی: *\*maēša-* (مذکر)، *\*maēš-* (مؤنث) «میش، گوسفند» (Bartholomae 1961: 1109); پارتی: *\*mēš-* (Durkin-Meisterernst 2004: 236); فارسی میانه: *\*mēš*; کُردی سُنقرکُلیایی: *\*mi*. شپش: (نک: ۹.۲).

۱۱.۲. تبدیل *\*bhr* به *wr* (*wr* < *\*bhr*) (Gray 1965: 187).

ایرانی باستان: *\*abra-* «ابر» (حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۱۴۸); اوستایی: *\*awra-* (Bartholomae 1961: 99); فارسی میانه: *\*abr* (MacKenzie 1971: 4), *\*avr* (Nyberg 1974: 2/39); کُردی سُنقرکُلیایی: *\*hawr*.

۱۲.۲. ایرانی آغازین: *\*v-*, *\*u-* < ایرانی باستان: *\*v-* < فارسی میانه: *\*gu-* / *\*g-* (نک: واژه

گرگ)، -w (نک: واژه برف) < گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی: -v، کردی سُنقرگیلیایی: -b (نک: واژه‌های برف، بَره، قوچ، گرسنه، بهانه، برگ)، -w (نک: واژه گُرده / کلیه)، و -gu (نک: واژه گرگ)، گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی: -b: فارسی نو: -b، -gu (نک: رضائی باغییدی ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۴؛ Cathcart 2015: 31-32, 83).

ایرانی باستان: -v\* < کردی سُنقرگیلیایی: -w، نک: واژه‌های گُرده، کلیه و عروس، بیوه،  
ایرانی باستان: -v\* < کردی سُنقرگیلیایی: -b، نک: واژه‌های برف، برگ و بَره، قوچ،  
ایرانی باستان: -v\* < کردی سُنقرگیلیایی: -gu، نک: واژه گرگ.  
طی فرایند سایشی‌زدایی<sup>۱</sup> نیم‌واکه‌های آغازین \*w به b / g و \*y به j تبدیل می‌شود  
(Windfuhr 1989a: 253).

در کُردی سُنقرگیلیایی همخوان (هندواروپایی: \*u < ایرانی باستان: \*v < فارسی میانه: /w/ در واژه‌هایی مانند برگ، برف، بره، قوچ، بهانه، گرسنه به /b/ تبدیل شده است (MacKenzie 1961: 77)، در واژه برف در فارسی نو در خوشهٔ fr فرایند قلب نیز رخ داده است (Gray 1965: 238)، و در واژه «برگ» تبدیل \*r باستانی به al در دورهٔ میانه (Ibid: 37) و aɫ در کُردی سُنقرگیلیایی انجام شده است.

برگ: ایرانی آغازین: -uarka\* (Cathcart 2015: 32)؛ ایرانی باستان: -varka\* (حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۴۵۳)؛ اوستایی: -varəka (Bartholomae 1961: 1367)؛ فارسی میانه: warg [wlg] (MacKenzie 1971: 87)؛ کُردی سُنقرگیلیایی: baɫg.

برف: هندواروپایی: -uep<sup>۲</sup> «ریختن» (Pokorny 1959: 1149)؛ ایرانی آغازین: -uafra (Cathcart 2015: 88. 136)؛ -vafra\* (رضائی باغییدی، ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۴)؛ فارسی باستان: -vafra\*، مادی: -vafra\*، اوستایی: -vafra (همان)؛ پارتی: wafra (Boyce 1977: 94)؛ فارسی میانه: wafra (MacKenzie 1971: 86)؛ فارسی میانهٔ تُرفانی: wafra (Boyce 1971: 91)؛ کُردی سُنقرگیلیایی: bafra.

برّه، قوچ: ایرانی آغازین: \*uarna-ka- (Cathcart 2015: 32); ایرانی باستان: \*varnaka- (حسن دوست ۱۳۹۳: ۴۶۴); اوستایی: \*varan- («برّه، گوسفند، قوچ») در ترکیب \*varakasa- («پاینده برّه‌ها») (Bartholomae 1961: 1364); فارسی میانه: warrag, warrān; (MacKenzie 1971: 87); پارتی: warrag; فارسی میانه تُرفانی: warrag (Boyce 1977: 93); کُردی سُنقرگیلیایی: barx («برّه»)، baran («قوچ»)، šak («قوچ»).

بهانه: ایرانی آغازین: \*uāhāna-ka- از ریشه<sup>۱</sup> \*uāh- («پوشاندن») (Cheung 2007: 31); ایرانی باستان: \*vahānaka- (حسن دوست ۱۳۹۳: ۵۴۸); فارسی میانه: wihān(ag) (MacKenzie 1971: 90); کُردی سُنقرگیلیایی: bayānak.

یاد، ذهن: ایرانی باستان: \*vīra- (حسن دوست ۱۳۹۳: ۵۶۴); اوستایی: vira- در hvira- / huvira- («باهوش») (Bartholomae 1961: 1858); فارسی میانه: wīr (MacKenzie 1971: 91); فارسی میانه تُرفانی: wīrōmandī («یاد، ذهن») (Durkin-Meisterernst 2004: 356); کُردی سُنقرگیلیایی: bir.

ایرانی باستان: \*wṛ- < ایرانی میانه: gur- < کُردی سُنقرگیلیایی: ber-.

گرسنه: ایرانی باستان: \*vṛsyā- («گرسنه، گرسنه بودن») (Humbach 1989: 195)، \*vṛsnaka- (حسن دوست ۱۳۹۳: ۲۳۷۸); فارسی میانه: gurisnak (Nyberg 1979: 86); کُردی سُنقرگیلیایی: gursag (MacKenzie 1971: 38).

هندواروپایی آغازین: \*uert- (Kent 1950: 207); ایرانی آغازین: \*uert- («چرخیدن») (Cathcart 2015: 32); فارسی باستان: vart- («متوجه ساختن، چرخیدن»)، vartayaiy فعل حال اخباری اول شخص مفرد، ناگذر، سببی «متوجه خود می‌سازم») (Kent 1950: 207); پارتی: wrt/d [wart/d] («چرخیدن») (Durkin-Meisterernst 2004: 345); فارسی میانه: ward; کُردی سُنقرگیلیایی: werd («چرخیدن»)، مثال: werdaw («متوجه آن باش، به‌سوی او روی برگردان (= او را ببین)»)، از werd به‌علاوه awa/ aw («آن/ او») ضمیر اشاره سوم شخص مفرد.

کلیه، گرده: ایرانی آغازین: \*uṛtka- (Cathcart 2015: 136)؛ ایرانی باستان: \*wṛdka-؛  
اوستایی: -vərəδka- (Bartholomae 1961: 1420)؛ سنسکریت: -vṛkká- (Mayrhofer 1961: 571)؛  
فارسی میانه: gurdag (MacKenzie 1971: 39)؛ کردی سنسکرگیایی: .weṭk  
در واژه کلیه، گرده در کردی سنسکرگیایی -w\* غلتان ایرانی باستان به صورت w- دولبی  
حفظ شده است، و خوشه -ṛd\* - به -ṭ- (لثوی، کناری، نرم‌کامی شده واک‌دار) تحول پیدا  
کرده است: \*wṛd- < .weṭ-

گرگ: هندواروپایی آغازین: \*uḷkwos-, \*uḷkwo-, \*wḷkwo-/ \*uḷkw- «گرگ» <  
ودایی: vṛka-, vṛkas-، اوستایی: -vəhrka- (Bartholomae 1961: 1418; Clackson 2007: 98)؛  
ایرانی آغازین: \*wṛka- < ایرانی باستان: \*wṛka- (Cathcart 1961: 278, 36)؛  
فارسی میانه: gurg (MacKenzie 1971: 38) < کردی سنسکرگیایی: .gurg  
(2015: 31-32, 83)

۱۳.۲. ایرانی آغازین: \*uḷ- < فارسی میانه: -gy < کردی سنسکرگیایی: -gy (Cathcart 1961: 125, 31).

هندواروپایی: -g<sup>h</sup>ej- «جان، زندگی» (Pokorny 1959: 467)؛ ایرانی آغازین:  
-u(i)jāna- (Cathcart 2015: 31)؛ ایرانی باستان: \*u(i)jāna-؛ اوستایی: -vyāna-  
(Bartholomae 1961: 1478)؛ فارسی میانه: gyān (MacKenzie 1971: 39)؛ پارتی: gyān-؛  
فارسی میانه ترفانی: gyān (Boyce 1977: 43)؛ کردی سنسکرگیایی: .gyân

۱۴.۲. تحول خوشه همخوانی هندواروپایی آغازین: \*tr-, \*tl- < هندوایرانی آغازین: \*tr- <  
ایرانی آغازین: \*θr-, \*tr- < مادی: θr-؛ اوستایی: θr-؛ فارسی باستان: ʧ < پارتی: hr-؛  
فارسی میانه: s، گویش‌های نو ایرانی شمال غربی: r + واکه + (h)r (-)hr، کردی  
سنسکرگیایی: s، h، گویش‌های نو ایرانی جنوب غربی: s (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۷۰)؛ رضائی  
باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۳؛ مایهوفر ۱۳۸۹: ۱۳۰؛ ۵۱ (Skjærvø 2009: 213; Forston 2004).

ایرانی باستان: \*a-puθra-tanu-؛ اوستایی: \*a-puθra-tanu- (Horn 1893: 5)؛  
فارسی باستان: \*a-puça-tanu-؛ فارسی میانه: ābus-tan (MacKenzie 1971: 4)؛ فارسی  
میانه ترفانی: ābus (Boyce 1971: 6)؛ کُردی سُنقرگلیایی: âwes.

هندواروپایی آغازین: \*tréiēs, \*tritījo, \*tritōs («سه») (Kent 1950: 188; Byrd )  
276, 14 (2015)؛ ودایی: tráyas؛ ایرانی آغازین: \*trī-, \*trai-, \*θrayas؛ ایرانی باستان:  
\*θraja- (Cathcart 2015: 14)؛ مادی: \*θri-؛ فارسی باستان: \*çi- (رضائی باغ‌بیدی ۲۰۰۹:  
۱۸۳)، \*çitīya-, çita- («سوم») (Skjærvø 2009: 85)؛ اوستایی: θrayō (رضائی باغ‌بیدی،  
۲۰۰۹: ۱۸۳)، θritīia- («برای بار سوم») (Skjærvø 2009: 85)؛ شمال‌غربی: پارتی: hrē،  
کُردی سُنقرگلیایی: به دو صورت se و se-ân < syân؛ جنوب‌غربی: فارسی میانه: sč̌،  
فارسی نو: se (MacKenzie 1971: 74).

ایرانی باستان: \*jan-θra- < \*jaθra- («زهر») از ریشهٔ gan- («زدن») (حسن‌دوست  
۱۳۹۳: ۱۶۰۵)؛ پارتی: žahr (Durkin-Meisterernst 2004: 198)؛ فارسی میانه: zahr  
(MacKenzie 1971: 97)؛ فارسی میانه ترفانی: zahr (Durkin-Meisterernst 2004: 382)؛  
کُردی سُنقرگلیایی: žahr, žâr.

۱۵.۲. \*y < j. طی فرایند سایشی‌زدایی نیم‌واکه‌های آغازین، \*y به j و \*w به g / b تبدیل  
می‌شود (Windfuhr 1989a: 253). \*y آغازی ایرانی باستان در پارتی باقی مانده و در فارسی  
میانه ترفانی به j بدل شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۶۹). در کُردی سُنقرگلیایی \*y آغازی  
باستانی به j تبدیل شده است (MacKenzie 1961: 73).

هندواروپایی: \*jeuō- («غله») (Pokorny 1959: 512)؛ ایرانی باستان: \*yava-  
(حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۹۶۷)؛ اوستایی: yava- (Bartholomae 1961: 1305)؛ فارسی میانه: jaw  
(«جو») (MacKenzie 1971: 46)؛ کُردی سُنقرگلیایی: jü.

هندواروپایی: \*iūn-, \*iuuēn-, \*jeu- («جوان») (Pokorny 1959: 510)؛ اوستایی:  
yvan-, yavan-, yūn- (Bartholomae 1961: 1305)؛ پارتی: yuwān؛ فارسی میانه

تُرَفانی: *juwān* (Durkin-Meisterernst 2004: 199, 374)؛ فارسی میانه: *juwān*  
 (MacKenzie 1971: 47)؛ کُردی سُنقرکُلیایی: *jwān*.

۱۶.۲. ایرانی آغازین: \*rdz, \*ṛdz < پارتی: rZ, فارسی میانه: l, گویش‌های نو ایرانی  
 شمال‌غربی: rZ, گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی: l.

هشتن، رها کردن: هندواروپایی آغازین: ستاک مضاعف: -sti-stah<sub>2</sub>\* (Byrd 2015: 121)، از هندواروپایی آغازین: ریشه -steh<sub>2</sub>\* / -stah<sub>2</sub>\* «ایستادن»، ودایی: -sthitá؛  
 ریکس<sup>۱</sup> (2001: 528) آن را از هندواروپایی آغازین: -selǵ\* «ول کردن» گرفته است؛ ایرانی  
 آغازین: -hr̥dza\* «هِل - هشتن») (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۳)؛ ایرانی باستان: -hr̥z\* «رها  
 کردن»، ستاک گذشته: -hr̥šta\*، از -hr̥z-ta\*، z پیش از t به š بدل شده است. در فارسی  
 میانه r̥š به š تبدیل شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۲۴۹)؛ اوستایی: -harəz, صفت مفعولی:  
 -haršta- (Bartholomae 1961: 1797). ابوالقاسمی (۱۳۷۳: ۱۰۸) -hišta- را ستاک مضاعف از  
 ریشه -stā√ «ایستادن» و از هندواروپایی -st-e-si\* گرفته است که -si\* (ایرانی باستان: -hi\*)  
 هجای آغازی -stā است و برای مضاعف کردن ریشه به کار رفته است، st صورت ضعیف  
 ریشه -stā است و e (ایرانی باستان: \*a) برای ساختن ستاک حال از ریشه به کار رفته است؛  
 مادی: -hr̥za\*؛ فارسی باستان: [-hr̥da\*]، -harda\* (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۳)؛ پارتی:  
 -hirz-, - (> \*harz) (Ghilain 1939: 48)؛ فارسی میانه تُرفانی: -hil (Boyce 1977: 50)؛  
 فارسی میانه: -hištan, -hil (MacKenzie 1971: 43)، خوشه -rZ\* و -rd\* باستانی در  
 پارتی باقی مانده است، اما در فارسی میانه به -l- تبدیل شده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷۱)؛  
 (Windfuhr 2009: 19, 29)؛ کُردی سُنقرکُلیایی: -hišten, از ریشه -hr̥z√ (MacKenzie 1961: 78).  
 ستاک گذشته این فعل در این گویش -hišt- است که در ساخت افعال گذشته به کار  
 می‌رود، و ستاک حال آن بر اساس -hil ساخته می‌شود، و در ساخت افعال حال و آینده به کار  
 می‌رود، پیشوندهای فعلی به آغاز فعل اضافه می‌شوند و -h- آغازی واژه حذف می‌شود.



جدول (۱) ساخت فعل امر از **hel-**

be + hel-(a) → bil(a) شناسهٔ دوم‌شخص مفرد - هل - پیشوند فعل	«بگذار»
be + hel-en → bilen شناسهٔ دوم‌شخص جمع - هل - پیشوند فعل	«بگذارید»

معمولاً هنگام افزودن پیشوند فعلی به ابتدای افعال، همخوان h حذف می‌شود:

na hât ~ naât ~ nât «نیامد»

na hišt ~ naišt ~ neyšt/ nayšt «نداشت»

۱۷.۲. ایرانی آغازین: \*r/rd, \*r/rt, \*r/rd, \*r/rz < فارسی میانه: l, گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی: -rz, گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی: l (MacKenzie 1961: 77; ) ۲. -rd (werd) «بلند»، ۱. -rz (barz) «بلند»، ۲. -rd (werd) «متوجه ساختن»، ۳. † (sepe†) «اسپرز»، † (we†k) «کلیه، گرده»، ۴. † (bal) «بلند» (در مورد آلت تناسلی مردانه)).

کاهش انسدادی‌های دمیده \*g<sup>h</sup>, \*d<sup>h</sup>, \*b<sup>h</sup> هندواروپایی و هندوایرانی آغازین به انسدادی‌های ایرانی آغازین: \*g, \*d, \*b (Cathcart 2015: 9). حفظ انسدادی‌های واک‌دار آغازین ایرانی باستان (\*g-, \*d-, \*b-) barz «بلند»، dâya «دایه»، gâ «گاو» (cf. Blau) (1989a: 329).

هندواروپایی آغازین: \*bhṛǵhent- «بلند» (Forston 2004: 182); ایرانی آغازین: \*brǵ-, \*brǵant-; ایرانی باستان: \*brǵā- حالت نهادی از \*brǵant- (Cathcart 2015: 134); اوستایی: -barəz- (Bartholomae 1961: 949); مادی: \*brǵ- در \*brǵiya- در برابر (فارسی باستان: -brǵiya- از \*bard- «بلند بودن») (Schmitt 1989d: 88); فارسی باستان: bard- در اسم خاص -bardiya- (Kent 1950: 200); فارسی میانه: buland, borz (MacKenzie 1971: 19-20)، burz (Nyberg 1974: 50); کردی سُنقرُگیایی: barz «بلند»

برز)، «barzâ (قد، بلندی، ارتفاع)».

ایرانی آغازین: \*spržan- «اسپرز» (Cathcart 2015: 31)؛ اوستایی: spərəzan- (Bartholomae 1961: 1623)، فارسی میانه: spul, spurz (MacKenzie 1971: 76)؛ فارسی میانه تُرفانی: ispurzīgēn(?) «اسپُزی» (Durkin-Meisterernst 2004: 87)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: sepe t.

۱۸.۲. تحول کامی‌های هندواروپایی: /ġ, ġh, ġh/ < \*k, ġ, ġh/ < هندوایرانی: /j, j, j/ < /ġ, ġh/ هندوآریایی باستان: /j, j, j/ < ایرانی آغازین: /ts, dz, dz/ < اوستایی: /s, z, z/ فارسی باستان: /θ, d, d/ (Schmitt 1989a: 27; Forston 2004: 204).

ایرانی باستان: \*dz < مادی: z، فارسی باستان: d، اوستایی: z، فارسی میانه: d، پارتی: z، گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی: z، گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی: d (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۶۰، ۱۸۲-۱۸۳؛ Sundermann 1989: 108).

dz ایرانی باستان در کُردی سُنقرُگیلیایی به صورت z باقی مانده است، z در این گویش در مقابل معادل خود یعنی d در گروه گویشی جنوب‌غربی قرار دارد. zân- «دانستن» در برابر dân-. درباره تبدیل همخوان m بعد از واکه a و â به نیم‌واکه دو لبی w در کُردی سُنقرُگیلیایی، نک: (۲.۲) واژه چشم.

هندواروپایی آغازین: \*ġnō- «دانستن» (Kent 1950: 182)، \*ġnh<sub>3</sub>-ské، \*ġn-n-، eh<sub>3</sub>- (بیکس ۱۳۸۹: ۳۴۹)؛ ایرانی آغازین: \*dzānā-؛ ایرانی باستان: \*dzan-؛ اوستایی: zān-<sup>2</sup> (Bartholomae 1961: 1659)؛ فارسی باستان: dan- (Kent 1950: 189)؛ پارتی: zān-؛ فارسی میانه: dān- (MacKenzie 1971: 24)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: zān-esten.

ایرانی باستان: \*dzāmātar- «داماد»؛ اوستایی: zāmātar- (Pokorny 1959: 369)؛ پارتی: zāmād (Bartholomae 1961: 369)؛ فارسی میانه: dāmād (MacKenzie 1971: 24)؛ هورامی: zamā (Idem 1966: 114)؛ کُردی: zāwā (Idem 1961: 73)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: zāwâ.

۱۹.۲. ایرانی آغازین:  $-\check{z}$ -\* < ایرانی باستان:  $-\check{z}$ -\* < پارسی:  $\check{z}$ ، فارسی میانه:  $z$ ، گویش‌های نو ایرانی شمال غربی:  $\check{z}$ ، گویش‌های نو ایرانی جنوب غربی:  $z$  (نک: رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۴-۱۸۲).

ایرانی آغازین:  $-\check{z}$ -\* «تیز» (همان)؛ ایرانی باستان:  $-\check{z}$ -\*  $-\check{z}$ -\*،  $-\check{z}$ -\*؛ اوستایی:  $-\check{z}$ -\*  $-\check{z}$ -\* (Bartholomae 1961: 623)؛ مادی:  $-\check{z}$ -\*؛ فارسی باستان:  $-\check{z}$ -\*  $-\check{z}$ -\*؛ (Boyce 1977: 88)  $t\check{e}j$ ؛ (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۴)؛ پارسی:  $-\check{z}$ -\*؛ فارسی میانه تُرفانی:  $t\check{e}j$ ؛ (MacKenzie 1971: 83)  $t\check{e}z$ ؛ هورامی:  $te\check{z}$ ؛ (Idem: 1966: 110)  $te\check{z}$ ، کُردی سُنقرگیلیایی:  $ti\check{z}$ .

۲۰.۲. هندواروپایی:  $-k^u$ -\*،  $-k$ -\* < ایرانی آغازین:  $-\check{c}$ -\* < ایرانی باستان:  $-\check{c}$ -\* < پارسی:  $\check{z}$ ، فارسی میانه:  $z$ ، گویش‌های نو ایرانی شمال غربی:  $z$ ،  $\check{z}$ ، گویش‌های نو ایرانی جنوب غربی:  $z$  (نک: رضائی باغبیدی، ۲۰۰۹: ۱۸۲؛ Cathcart 2015: 124-125).

هندواروپایی آغازین:  $-\check{c}$ -\*  $-\check{c}$ -\* (Kent 1950: 205)؛ ایرانی آغازین:  $-\check{c}$ -\*  $-\check{c}$ -\*؛ (Cathcart 2015: 71) «روز»؛ ایرانی باستان:  $-\check{c}$ -\*؛ اوستایی:  $-\check{c}$ -\*؛ (Bartholomae 1961: 1989)؛ فارسی باستان:  $-\check{c}$ -\*؛ (Kent 1950: 205)؛ فارسی میانه:  $r\check{o}z$ ؛ (MacKenzie 1971: 72)؛ پارسی:  $r\check{o}z$ ؛ فارسی میانه تُرفانی:  $r\check{o}z$  (Durkin-Meisterernst 2004: 297, 298)؛ کُردی سُنقرگیلیایی:  $r\check{o}z$ .

هندواروپایی:  $-\check{c}$ -\* «ترک کردن، رها کردن»؛ ایرانی آغازین:  $-\check{c}$ -\* «ریز (ریختن)»؛ فارسی باستان:  $-\check{c}$ -\*؛ مادی:  $-\check{c}$ -\*؛ اوستایی:  $-\check{c}$ -\* (Cathcart 2015: )؛ ایرانی میانه شمال غربی: پارسی:  $-\check{c}$ -\* (رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲-۱۸۳)؛ پارسی:  $-\check{c}$ -\* (Durkin-Meisterernst 2004: 304)؛ ایرانی میانه جنوب غربی: فارسی میانه:  $-\check{c}$ -\*؛ (MacKenzie 1971: 72)؛ فارسی میانه تُرفانی:  $-\check{c}$ -\*؛ (Durkin-Meisterernst 2004: 304)؛ ایرانی نو شمال غربی: کُردی سُنقرگیلیایی: مصدر:  $-\check{c}$ -\* «ریختن»؛ ستاک حال و گذشته:  $-\check{c}$ -\*؛ ایرانی نو جنوب غربی: فارسی نو:  $-\check{c}$ -\*.

هندواروپایی: \*ndheri- «زیر» (حسن‌دوست ۱۳۹۳: ۱۶۱۱)؛ اوستایی: aδairi- (Bartholomae 1961: 58)؛ فارسی میانه: azēr (MacKenzie 1971: 16)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: žir.

فرایند ادغام در دو واژه \*hača + adara در گذر از باستان به میانه (Gray 1965: 241)، و تحول -č- \* میان‌واکه‌ای ایرانی باستان به ž, ۱. řež- «ریز - ستاک حال: ریختن») (Gray > \*raičaya-), ۲. žir «زیر» (> \*hača+adara), اوستایی: hača+aδairi (Gray 1966: 39, 65) در پی فرایند تقلیل هجا<sup>۱</sup> به صورت کنونی درآمده است. č \* میان‌واکه‌ای ایرانی باستان در این گویش به صورت ž در آمده است. ž در این گویش در مقابل معادل خود یعنی Z در گروه گویشی جنوب‌غربی قرار دارد. مانند: řuž- «روز» در برابر řuz- و žen «زن» در برابر zan (MacKenzie 1961: 73).

فارسی میانه: ستاک حال: řaz- «رشتن، رنگ کردن» (MacKenzie 1971: 71)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: ستاک حال و گذشته: řež-, مصدر: řež-in «رشتن و آراستن چشم، آرایش کردن چشم».

ایرانی باستان: -ča- \*؛ فارسی میانه: -iz- «نیز» (MacKenzie 1971: 46)؛ پارتی: ž(i)-؛ فارسی میانه تُرفانی: ž(i)- (Boyce 1977: 31)؛ کُردی سُنقرُگیلیایی: yš- «نیز» در موارد مختوم به واکه، و iš- «نیز» در موارد مختوم به همخوان.

۲.۱.۲. هندواروپایی: -j-, \*g<sup>h</sup>, \*g<sup>h</sup>, \*g, < ایرانی آغازین: -j- \* < ایرانی باستان: -j- \* < پارتی: ž, فارسی میانه: Z, گویش‌های نو ایرانی شمال‌غربی: ž, گویش‌های نو ایرانی جنوب‌غربی: Z (نک: ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۶۹؛ رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۱۸۲).

ز آغازی ایرانی باستان در این گویش بصورت ž در آمده است. ž در این گویش در مقابل معادل خود یعنی Z در گروه گویشی غربی جنوبی قرار دارد. مانند: žen «زن» در برابر zan- (Gray 1965: 70; Blau 1989: 329).

هندواروپایی آغازین: *\*gwnah<sub>2</sub>* (Byrd 2015: 279)، *\*g<sup>w</sup>énh<sub>2</sub>* (Clackson 2007: 82, 83, 108)؛ هندواروپایی: *\*g<sup>h</sup>ēnā* «زن»، از ریشه *\*ġen-* «زادن» (Pokorny 1959: 373)؛ اوستایی کهن: *\*gənā*، اوستایی نو: *\*γnā*، *\*γənā*، اوستایی کهن: *\*jēnay*، اوستایی نو: *\*janay* (Bartholomae 1961: 525, 603)؛ پارتی: *\*žan* (Boyce 1977: 50)؛ کُردی سُنقرگلیایی: *\*žen*.

۲۲.۲. ایرانی باستان: *\*-ka* < ایرانی میانه: *-ag* (نک: ابوالقاسمی ۱۳۷۵: ۲۰) < کُردی سُنقرگلیایی: *-ka*، *-ak*، *-eg*، ایرانی باستان: *\*sāya-ka* «سایه»؛ فارسی میانه: *sāyak* (Nyberg 1974: 175)، *sāyag* (MacKenzie 1971: 74)؛ فارسی میانه تُرفانی: *sāyag* (Boyce 1977: 81)؛ کُردی سُنقرگلیایی: *sāyaka*.

فارسی میانه: *waččag* «بچه» (MacKenzie 1971: 85)؛ کُردی سُنقرگلیایی: *bačka*، فارسی میانه: *xānag* «خانه» (Ibid: 94)؛ کُردی سُنقرگلیایی: *xāneg*.

۲۳.۲. هندواروپایی آغازین: *\*su-*، *\*sw-* < هندواروپایی: *\*sw-* < ایرانی باستان: *\*hv-* *\*hu*، < فارسی میانه: *\*xw-*، کُردی سُنقرگلیایی: *\*xw-*، نرمکامی شدن *\*hv* ایرانی باستان به *xw* در دوره میانه (نک: ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۷۱)، ایرانی باستان *\*hv* در اوستایی به دو صورت *\*x<sup>v</sup>* (در *\*x<sup>v</sup>āθra* «آسایش») و *huu* (در *huuāpa* «دارای اعمال نیک») ظاهر می‌شود، و در فارسی باستان: *u* (گونه معیار)، اما *\*hu* (گونه گویشی) می‌باشد (Kellens 1989: 35; Skjærvø 2009: 57)، فارسی میانه *\*xw-* (Schmitt 1989d: 87). در پارتی صورت *wx* آمده است و ظاهراً *ux* تلفظ می‌شده است (ابوالقاسمی ۱۳۷۳: ۱۷۰؛ همو ۱۳۷۵: ۸، ۱۴) که اشاره به صورت *w<sup>h</sup>* دارد (Windfuhr 2009: 20). هندواروپایی: *\*sue-*، *\*seue-* (Pokorny 1959: 882)؛ (ضمیر انعکاسی)، اوستایی: *x<sup>v</sup>a-* «خود»؛ *x<sup>v</sup>aēpaiθiia-* «خویشتن» (Bartholomae 1961: 1858, 1861)؛ فارسی

باستان: *uvaipašiya-* (Kent 1950: 177)؛ فارسی میانه: *xwād*, *xwēš* «خویش»  
 (MacKenzie 1971: 96)؛ پارسی: *wxēbēh*؛ فارسی میانه تُرفانی: *xwād*, *xwēš* (Boyce 1977: 95, 100, 101)؛  
 کُردی سُنقرکلیایی: *xway* «خویش»، *xwād* «خودت».

هندواروپایی آغازین: *-p<sup>h</sup>-su*, *-p<sup>h</sup>-op-sw*, *-p<sup>h</sup>-ep-sw* «خوایدن» (Bomhard 2013: 412)؛  
 هندواروپایی: *-p<sup>h</sup>-suep* (Pokorny 1959: 1048-1049)؛ اوستایی: ریشه *xvap-* «خوایدن» (Bartholomae 1961: 1862)؛  
 فارسی میانه: *xuftan* (MacKenzie 1971: 94)؛ کُردی سُنقرکلیایی: *xaf-ten* «خوایدن»،  
 از ریشه *xvaf-* «خوایدن» (Idem 1961: 77).

ایرانی باستان: *-hvāz* «خواستن»؛ پارسی: *wxāšt*، ستاک حال: *wxāz-* (Nyberg 1974: 222; Boyce 1977: 94)؛  
 از ریشه *xvaz-* «خواستن» (Ghilain 1939: 69)؛ کُردی سُنقرکلیایی: ۱. ستاک حال: *xwāz-*، ستاک گذشته: *xwāzd-*، مصدر: *xwāzd-en*، *žen*،  
*xwāzden*، *žen xwāzin* «زن خواستن، خواستگاری کردن»، *xwāzmani* «خواستگاری»،  
*xwāzmanikar* «خواستگار»، قیاس کنید با کُردی سُنقرکلیایی: *zozyâ* «ای کاش»،  
*xozima awšâ* «یادش به خیر آن زمان!، یاد باد آن روزگار!»، کُردی سلیمانیه: *xozga* «ای کاش که»  
 از (*\*xwaz ka >*) «ای کاش که» (McCarus 2009: 625).

هندواروپایی: *-suel* «خوردن»؛ ایرانی باستان: *-huar* (Cheung 2007: 147)؛  
 اوستایی: *-x<sup>v</sup>ar* (Bartholomae 1961: 1865)؛ پارسی: *wxard-* از ریشه *xvar-* «خوردن»  
 (Ghilain 1939: 57)؛ فارسی میانه: *xwardan*, *xwar-* (MacKenzie 1971: 95)؛ فارسی  
 میانه تُرفانی: ستاک حال: *xwar-*، ستاک گذشته: *xward-* (Boyce 1977: 101)؛ کُردی  
 سُنقرکلیایی: *xwârden*، ستاک حال: *xwa-*، ستاک گذشته: *xwârd-*.

۲۴.۲. ایرانی باستان: *\*čy* < اوستایی: *šy*، فارسی باستان: *šy*، کُردی سُنقرکلیایی: *čü* (نک:  
 رضائی باغبیدی ۲۰۰۹: ۶۱).

هندواروپایی آغازین: تحول نرمکامی‌های: *\*gh*, *\*g*, *\*k* و لبی-نرمکامی‌های: *\*k<sup>w</sup>*,  
*\*gh<sup>w</sup>*, *\*g<sup>w</sup>* < هندوایرانی نرمکامی‌های: *\*gh*, *\*g*, *\*k*. این نرمکامی‌ها زمانی که پیش از

واکه پیشین (\*i یا \*e) یا -j- غلتان واقع شوند به سایشی‌های (\*c, \*j, \*jh) تحول می‌یابند. هندواروپایی آغازین: \*g<sup>w</sup>ōs «گاو» < هندوایرانی: \*gāuš (ودایی: gāuš, اوستایی: gāuš)؛ فرایند تحول صدای نخست ستاک ضعیف نقلی در \*k<sup>w</sup>er-k<sup>w</sup>r- «کردن» < هندوایرانی آغازین: \*ke-kr-, \*ce-kr- < هندوایرانی: \*ke-kr- (ودایی: cakr-, اوستایی و فارسی باستان: caxr-)؛ هندواروپایی آغازین: \*k<sup>h</sup>ieu- < ودایی: cyav- (رفتن)»، اوستایی: -šiiav (Forston 2004: 181).

در کُردی سُنقرکُلیایی \*č آغازی ایرانی باستان محفوظ مانده است. مثال: فعل čüen (رفتن)»، «صدا زدن» (Blau 1989: 329; Schmitt 1989c 70).

اوستایی: -šav-, šyav- (رفتن) (Bartholomae 1961: 1714)؛ فارسی باستان: -šiyav (Kent 1950: 211)؛ پارتی: -šaw- (Boyce 1977: 85)؛ فارسی میانه: -šaw- (MacKenzie 1971: 79)؛ فارسی میانه تُرفانی: -šaw- (Boyce 1977: 85)؛ کُردی سُنقرکُلیایی: čüen، از ریشه -čyu- «عازم شدن، رفتن» (MacKenzie 1961: 71) ačüâm «می‌رفتم».

### ۳. نتیجه‌گیری

مطابق با تحلیل و بررسی داده‌های ارائه‌شده در این پژوهش مشاهده شد که به‌علت تأثیرپذیری کُردی سُنقرکُلیایی از زبان فارسی نو ویژگی‌های آوایی شمال‌غربی آن در برخی از موارد از بین رفته و ویژگی‌های جنوب‌غربی جایگزین آن شده است. همچنان‌که دیدیم -dv/du- ایرانی باستان در واژه‌های مورد بررسی، همانند ایرانی نو جنوب‌غربی به جای -b- به -d- تبدیل شده است؛ \*v ایرانی باستان و توالی خوشه‌های ایرانی باستان \*θr و \*rz/\*rd به هر دو صورت موجود در گویش‌های ایرانی نو شمال‌غربی و جنوب‌غربی در کُردی سُنقرکُلیایی کاربرد دارد. این گویش به‌ویژه در میان نسل جدید گویشور خود تحت تأثیر فارسی معیار قرار گرفته و در معرض خطر می‌باشد و فناوری نوین ارتباطات بر سرعت تغییر و تحول افزوده است به‌طوری‌که ویژگی‌های آوایی شمال‌غربی در آن در برخی از موارد از بین رفته و فقط در واژه‌های کهن محفوظ مانده است.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳، تاریخ زبان فارسی، تهران.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران.
- بیکنس، رابرت، ۱۳۸۹، درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی زبان‌های هندواروپایی، ترجمه اسفندیار طاهری، تهران.
- حسن دوست، محمد، ۱۳۹۳، فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی، ۵ ج، تهران.
- خنجری، سلمان، ۱۳۸۷، بررسی ساختمان دستوری گویش کردی سنقرکلیایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تهران، تهران.
- راشد محصل، محمدتقی، ۱۳۸۵، وزیدگی‌های زادسپرم، تهران.
- رضائی باغبیدی، حسن، ۲۰۰۹، تاریخ زبان‌های ایرانی، اوساکا.
- طاهری، اسفندیار و حسینی ماتک، الهه، ۱۳۹۶، «ویژگی‌های آوایی شمال‌غربی در گیلکی»، مجله زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، س ۲، ش ۳، ص ۱۴۷-۱۶۱.
- مایرفوهر، مانفرد، ۱۳۸۹، «بازسازی زبان مادی»، ترجمه رحمان بختیاری، مجله زبان‌شناسی، س ۲۴، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۴۳.
- مصطفوی گرو، حسین، ۱۳۸۶، «بررسی تاریخی نظام آوایی گویش کرمانجی خراسان»، مجله جستارهای نوین ادبی، س ۴۰، ش ۴، ص ۳۳-۶۷.
- مورگنشتیرنه، ج، ۱۳۳۶، «تاریخ تحول زبان‌های ایرانی و مجاهدات دانشمندان اسکانندیناوی درباره رشته‌های مختلف ایران‌شناسی»، ترجمه عزت‌الله نگهبان، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ش ۳۹، ص ۴۳-۵۲.
- Bartholomae, C., 1961, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.
- Blau, J., 1989, "Le Kurd", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 327-335.
- Bomhard, A. R., 2018, *A Comprehensive Introduction to Nostratic Comparative Linguistics. With Special Reference to Indo-European*, 4 vols., Florence.
- Boyce, M., 1977, *A Word - List of Manichaean Middle Persian and Parthian*, (Acta Iranica 9), Tehran.
- Byrd, A. M., 2015, *The Indo-European Syllable*, Leiden.
- Cathcart, C. A., 2015, *Iranian Dialectology and Dialectometry (PhD Dissertation)*, University of California, Berkeley.
- Cheung, J., 2007, *Etymological Dictionary of the Iranian Verb*, Leiden.
- Clackson, J., 2007, *Indo-European Linguistics: An Introduction*, New York.
- Comrie, B., ed., 1987, *The Major Languages of South Asia, the Middle East and Africa*, London.



- Durkin-Meisterernst, D., 2004, *Dictionary of Manichaean Middle Persian and Parthian*, Turnhout.
- Forston, B. W., 2004, *Indo-European Language and Culture: An Introduction*, Oxford.
- Gershevitch, I., 1985, *Philologia Iranica*, ed. N. Sims-Williams, Wiesbaden.
- Ghilain, A., 1939, *Essai sur la langue parthe (Bibliothèque du Muséon, vol. 9)*, Louvain.
- Gray, L. H., 1965, *Indo-Iranian Phonology with Special Reference to the Middle and New Indo-Iranian Languages*, New York.
- Haig, G., 2004, *Alignment in Kurdish: A Diachronic Perspective*, Habilitationsschrift, Kiel.
- Hock, H. H., 1991, "Dialects, Diglossia, and Diachronic Phonology in Early Indo-Aryan", *Studies in the Historical Phonology of Asian Languages*, ed. W. G. Boltz and M. C. Shapiro, Amsterdam, pp. 119-159.
- Horn, P., 1893, *Grundriss der neupersischen Etymologie*, Strassburg.
- Hudson, G., 2000, *Essential Introductory Linguistics*, Oxford.
- Humbach, H., 1989, "Choresmian", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 193-203.
- Joseph, B., 2001, "Historical Linguistics", *The Handbook of Linguistics*, ed. M. Aronoff and J. Rees-Miller, London, pp. 105-129.
- Kellens, J., 1989, "Avestique", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 32-55.
- Kent, R. G., 1950, *Old Persian: Grammar, Texts, Lexicon*, New Haven.
- Lehmann, W. P., 1992, *Historical Linguistics: An Introduction*, London and New York.
- MacKenzie, D. N., 1961, "The Origin of Kurish", *TPhs*, pp. 68-86.
- , 1966, *The dialect of Awroman (Hawrāmān-i Luhōn): Grammatical Sketch, Texts, and Vocabulary*, Copenhagen.
- , 1971, *A Concise Pahlavi Dictionary*, London.
- , 1981, "Kurds and Kurdistan, V. Language", *Encyclopaedia of Islam* (V), pp. 479-480.
- Mayrhofer, M., 1989, "Vorgeschichte der iranischen Sprachen; Uiranisch", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 4-24.
- , 1996, *Etymologisches Wörterbuch der Altindoarischen*, II, Heidelberg.
- McCarus, E., 2009, "Kurdish", *The Iranian Languages*, ed. G. Windfuhr, London, pp. 587-633.
- Monier-Williams, M., 1974, *A Sanskrit-English Dictionary*, Oxford.
- Nyberg, H. S., 1974, *A Manual of Pahlavi, Part II: Glossary*, Wiesbaden.
- Pokorny, J., 1959, *Indogermanisches etymologisches Wörterbuch*, Bern.
- Reichelt, H., 1967, *Awestisches Elementarbuch*, Heidelberg.
- Rix, H., 2001, *Lexikon der indogermanischen Verben [Lexicon of IndoEuropean Verbs]*, Wiesbaden.
- Schmitt, R., 1989a, "Die Altiranischen Sprachen im Überblick", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 25-31.
- , 1989b, "Iranische Sprachen: Begriff und Name", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 1-3.
- , 1989c, "Altpersisch", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 56-85.

- \_\_\_\_\_, 1989d, "Andere Altiranische Dialekte", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 86-94.
- \_\_\_\_\_, 1989e, "Die Mitteliranischen Sprachen im Überblick", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 95-105.
- Skjærvø, P. O., 2009, "Old Iranian", *The Iranian Languages*, ed. G. Windfuhr, London, pp. 43-195.
- Sundermann, W., 1989, "Westmitteliranische Sprachen", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 106-113.
- Thackston, W. M., 2006, *Sorani Kurdish: A Reference Grammar with Selected Reading*, Harvard.
- Trask, R. L., 1999, *Key Concepts in Language and Linguistics*, London.
- Windfuhr, G., 1989a, "New West Iranian", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 251-262.
- \_\_\_\_\_, 1989b, "Western Iranian Dialects", *Compendium Linguarum Iranicarum*, ed. R. Schmitt, Wiesbaden, pp. 294-295.
- \_\_\_\_\_, 2009, "Dialectology and Topics", *The Iranian Languages*, ed. G. Windfuhr, London, pp. 5-42.

